



# معروفترین اتفاق زندگی در طول تاریخ



موضوعات فیلمسازی امروزی همگی حاصل کارهای این دو نفر است و هرچند تا به امروز آن طور که باید به کارهای آنها ارزش داده نشده است اما به نظر می‌رسد قسمت بزرگی از تئوری‌ها و داستانهای این زوج واقعیت دارند...

اد متولد ۷ سپتامبر ۱۹۲۷ بود که در سال ۲۰۰۶ و سن ۷۹ سالگی از دنیا رفت، لورین اما همچنان در قید حیات است و در حال طی کردن ۸۸ سالگی خود است این زوج در اواسط دهه ۶۰ مدعی شدند که می‌توانند مسائلی که علم قادر به پاسخگویی به آنها نیست و به نحوی ماورالطبیعه هستند را

حل کنند، در آن زمان چند مورد از پرونده‌هایی که در حل آنها شرکت داشتند به دیدگاه انظار عمومی رسید و به حدی مردم به آنها علاقه مند شدند که این زوج تبدیل به افرادی محبوب و مشهور شدند.

اد که بازنشسته نیروی دریایی آمریکا بود یک پدیده شناس خود آموخته بود که همسرش را نیز در این راه یاری داده بود، هر دو آنها نویسندگانی ماهر بودند و مطالب بسیار جالبی از پرونده‌های خود ثبت نموده‌اند که تعدادی از آنها به شکل کتاب نیز به چاپ رسید.

معروف ترین پرونده‌های این زوج شامل ویلای وحشت امیتیلی (این مورد به طور مفصل در شماره‌های بعدی مجله بررسی خواهد شد)، عروسک انابل و احضار روح مخوف ویلی می‌شود، این زوج در کل چیزی نزدیک به ۱۰ هزار پرونده از این دست را مورد بررسی قرار دادند که بسیاری از آنها امروزه نیز توضیح منطقی ندارند.

عروسک انابل و ویلای وحشت امیتیلی معروف ترین و ترسناک ترین پرونده‌های این زوج هستند که به نظر می‌رسد آنها واقعا در تماس با نوعی نیروی فراطبیعی قرار داشتند، خانه این زوج امروزه تبدیل به موزه ای پر از وسایل نفرین شده است که بسیاری از آنها دارای علامت "هرگز دست نزنید هستند،" برای مثال در سال ۱۹۸۵ پسری ۲۰ ساله تماس کوچکی با عروسک انابل داشت و بدون اطلاع دادن به اد وارن از موزه خارج شد، بر اساس سخنان و توضیحات این پسر که بابی فرمونت نام دارد: پس از رسیدن به خانه اولین چیزی که توجهم را جلب کرد این بود که سنگم به طرف من نمی‌آمد و این واقعا عجیب بود، نکته دیگر این بود که برای چندین روز موقع خوابیدن احساس می‌کردم کسی در حال رفتن در خانه است و حتی وسایل را جابجا می‌کند، تا اینکه یک هفته بعد در برابر چشمانم و در برابر آینه عروسک انابل را دیدم.

در نهایت فرمونت وارن‌ها را در جریان گذاشت و آنها هم او را از این مشکل خلاص کردند، پس از این حادثه بود که عروسک انابل به درون قابی شیشه‌ای و محکم منتقل شد و تا امروز نیز درون این قاب است، براساس مدارکی که این زوج ارائه داده‌اند این عروسک وسیله‌ای برای اتصال بُعد فیزیکی با بُعد غیرفیزیکی است و نباید با آن تماس داشت

وارن‌ها در کل ۶ کتاب در مورد پرونده‌های خود منتشر کردند که تعدادی از آنها بسیار معروف شدند و هستند و تا حدودی به عنوان مرجع از آنها استفاده می‌شود، یکی از مهمترین نکات لورن‌ها استفاده از علوم مدرن برای حل پرونده‌هایشان بود مثلا در حل پرونده ویلای وحشت امیتیلی چیزی بیش از ۱۵۰ عکس با کیفیت مناسب وجود دارد که البته به علت جلب شدن توسط پلیس تا به امروز تعداد کمی از آنها منتشر و دیده شده است.

با وجود تمام مدارک و شواهدی که این زوج ارائه دادند بسیاری نیز آنها را دروغگو و داستان سررا می‌دانند که تنها قصد داشتند پولی به دست آورند، سالهاست میان طرفداران این دو نوع تفکر بحث‌های فراوانی وجود دارد اما حقیقت هر چه که باشد اد و لورین وارن موفق شدند افرادی را از مرگ نجات دهند.

داستان آنه لیزه میشل، یکی از معروفترین داستانهای واقعی درباره جن زدگی است و تا کنون سه فیلم سینمایی با اقتباس از داستان زندگی آنه لیزه میشل ساخته شده است.

آنه لیزه میشل در سال ۱۹۵۲ در یکی از شهرهای آلمان به دنیا آمد. وی تا شانزده سالگی، دختری شاد و سرزنده بود و زندگی عادی و معمولی داشت؛ اما در این سال بود که نشانه‌هایی از یک بیماری در او شکل گرفت؛ تشنج و عدم کنترل بر رفتارها و حرکات از ویژگی‌های بیماری آنه لیزه بود.

آنه لیزه را به بیمارستان بردند اما حال او بهتر نشد. او به پزشک معالجتش گفت، در اطراف خود چهره‌های عجیبی می‌بیند که به او خیره شده‌اند و هر جا می‌رود، نگاه سنگین آنها را احساس می‌کند.



پزشکان او را به مطب روان‌شناس ارجاع دادند. او به روان‌شناس گفت که دائما صداهایی می‌شنود که به او دستور می‌دهند تا کارهایی را که او دوست ندارد، انجام دهد. روان‌شناس مذکور بیماری آنه لیزه را هذیان‌گویی تشخیص داد. سرانجام خانواده آنه لیزه او را به جلسات جن‌گیری کلیسا بردند.

حال آنه لیزه روز به روز بدتر می‌شد. اوبه اعضای خانواده فحش می‌داد، آنها را کتک می‌زد، لباس‌هایش را پاره و از خوردن غذا خودداری می‌کرد. روی زمین دراز می‌کشید و از حشرات احتمالی موجود بر روی آن می‌خورد. فریاد می‌زد و تمام گلدانها و ظروف چینی خانه را می‌شکست.

کلیسا قبول کرد تا جلسات موسوم به جن‌گیری را انجام دهد. این جلسات در خلال سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶ و هفته‌ای دو جلسه برگزار شد. چهل نوار صوتی از مراسم جن‌گیری آنه لیزه میشل ضبط شد. آخرین جلسه جن‌گیری در تابستان ۱۹۷۶ اتفاق افتاد. آنه لیزه که به دلیل غذا نخوردن حال بدی داشت پس از این جلسات و به دلیل عدم مراقبت‌های پزشکی در خانه خود جانش را از دست داد. آخرین جمله‌ای که او به مادرش گفت این بود: "مادر! من می‌ترسم."

پلیس علت مرگ آنه لیزه را سوءتغذیه و دهیدراسیون (کم آبی) عنوان کرد. همچنین پدر و مادر آنه لیز و دو کشیش را بخاطر مرگ او بازداشت کرد، زیرا پلیس بر این باور بود که اگر آنه لیزه را وادار به خوردن غذا کرده بودند، شاید او شانس بیشتری برای زنده ماندن داشت. یک روان‌شناس که از سوی دادگاه مأمور تحقیق شده بود بر این باور بود که آنچه بر آنه لیزه اتفاق افتاده بود یک اضطراب و تنش شدید روانی بوده که می‌توانست قابل درمان باشد.

## اد و لورین وارن مشهورترین زوج در زمینه پرونده‌های ماورایی

در تاریخ شناسایی مسائل ماورالطبیعه زوجی وجود دارند که با هیچ کس دیگری قابل مقایسه نیستند، این دو نفر تمام عمر و انرژی خود را وقف شناسایی و بررسی مسائلی که مربوط به روح، جن و مسائل مرتبط می‌شود کردند نام آنها **اد و لورین وارن** می‌باشد، بسیاری از

